



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۴/۱۹

انجنیر نجیب الله داوری

## افغانستان فقیر و فرصت از دست رفته حضور امریکای ثروتمند قسمت سوم

### تبلیغات – شایعات و پروپاگند ها

با حضور فعال سیاسی – نظامی و اقتصادی کشورهای ثروتمند جهان در افغانستان، این کشور میتواند بسرعت شاهراه ترقی و پیشرفت را پیموده و ظرف کمتر از یک دهه بعنوان قدرت مطرح اقتصاد منطقه و جهان عرض اندام کند. ولی اگر فساد گسترده در داخل رژیم را عجلتاً کنار گذاریم؛ مداخلات خونین حلقات مغرض جمهوری اسلامی پاکستان در وجود طالبان - داعش و نیت سوء حلقات شؤنیست ایران نسبت به افغانستان – صدور گسترده تبلیغات و ایجاد ذهنیت های منفی علیه امریکا همراه با راه اندازی جنگ گرم و حملات کشنده انتحاری راه را برای خروج قوتهای نظامی ناتو - امریکا و برگشت دوباره طالبان روز تا روز هموار و هموارتر ساخت.

استخبارات کشورهای همسایه که سالها از جنگ افغانستان سود های کلانی را نصیب شده اند، با درک اینکه در حضور فعال اقتصادی – نظامی ممالک ثروتمند جهان و تأمین ثبات در کشورافغانها دیر یاز زود منافع شیطانی شانرا در اینشکور از دست داده و قبل از اینکه فرصت سوزی شود، بسرعت دست به سبوتاژ حضورنظامی امریکا و ناتو در افغانستان زدند. نتیجه اینکه مردم افغانستان طی بیست سال حضور ابرقدرت اقتصادی و نظامی دنیا در کشور شان از این حضور سخاوتمندانه نه تنها سود ملموسی نبردند، بلکه با توطئه استخبارات همسایه ها وضعیت چنان رقم خورد که عامل سقوط نظام جمهوری افغانستان و برگشت به نقطه صفری گردید.

فلم ها و ویدیو های مستندی در دست است که با سقوط امارت طالبان در سال 2001 بکمک نظامی ایالات متحده امریکا و نجات مردم افغانستان از حاکمیت طالبان - اکثریت باشندگان اینکشور از حضور سربازان حافظ صلح ملل متحد استقبال گرم بعمل آوردند. این امر باعث شد که ستراتیژیست های امریکا در امرحضور دوامدار شان در افغانستان آمادگی بگیرند. از سوی دیگر در گیرودار حادثه 9/11 وترس پاکستان از تهدید جورج دبلیو بوش رئیس جمهور امریکا در امر فرستادن پاکستان به عصر سنگ، رهبران اپورتونست اینکشور با درنظرداشت منافع مقطعی پاکستان – فضای اینکشور و میدانهای هوایی شمسی، قاضی و جیکب آباد را در راستای بمباران افغانستان و سقوط حاکمیت طالبان بیدریغ در اختیار امریکا گذاشتند. اما اندکی بعد از سقوط حکومت طالبان و ذوب شدن خشم امریکایی ها، حاکمان نظامی پاکستان برهبری جنرال مشرف از ماندن دوامدار امریکایی ها در افغانستان هراسان و در راستای ایجاد فاصله میان مردم افغانستان و قوتهای یاری صلح ملل متحد دست بکار شده و با رایج ساختن شایعات و پروپاگند های غیرواقعی، خودساخت و من درآوردی بشکل فراگیر - انعکاس دوباره و گسترده آن از سوی افغانها در سراسر جهان از یکطرف به امریکایی ها تفهیم نمودند که محاسبات شان در امر دوستی با مردم افغانستان غلط است و از طرف دیگر به مردم افغانستان تلقین نمودند که امریکائیان نه برای نجات افغانستان از جنگال تروریزم و ایجاد دولت مُدرن، بلکه برای چپاول معدنیات، کشت مواد مخدر و تطبیق پلانهای دوصد تا سه صد ساله ستراتیژی شان به افغانستان آمده اند.

در جریان حضور قوتهای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان موج عظیمی از ذهنیت های کاذب، ساخته و پرداخته سازمان های استخباراتی و اطلاعاتی کشورهای همسایه در تقابل با منافع ملی مردم ما- در هر شهر و قریه درحالی سایه افکنده و ماهرانه هر سپیدی - سیاه و هر سیاهی - سپید جلوه داده میشود، که عقلانیت و منطق سیاسی نیز در سطح نسبتاً وسیع- حتی بعضاً درمیان قشر تحصیلکرده زیرسؤال رفته، در نتیجه حوادث اوضاع افغانستان و اطراف آن تحت تاثیر تبلیغات سوء دوهمسایه شرقی و غربی خلاف منافع ملی مردم افغانستان تجزیه و تحلیل میشود. یعنی اینکه کمتر مفسر سیاسی میتواند از فضای آلوده تبلیغات سوء همسایه ها آسمان صاف منافع ملی مردم افغانستان را تشخیص دهد.

د پائو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

همزمان تعدادی دیگر از هموطنان با ایده های تاریخ زده شوروی عصر خروشچف - برژنف و چین عصر مائوتسی تونگ و تعریفهای بجا مانده دوران جنگ سرد از امریکا، امپریالیزم، استعمار، اشغال و غیره بدون در نظر داشت منافع ملی و با وجود خطر برگشت دوباره و بالقوه طالبان، دست به سبوتاز و تحریف قوت های غربی در افغانستان زده و ناخود آگاه خلاف منافع ملی در نقش ستونهای ششم و هفتم بعنوان خدایی خدمتگار قویاً تبلیغات ضد امریکایی ساخت استخبارات نظامی پاکستان را با ادبیات مختلف بازتاب داده - فعالانه و مذبححانه چرخه گیر سازمانهای استخباراتی و اطلاعاتی کشورهای همسایه شدند.

در چنین هوا و فضا وقتی میدیدیم و میشنیدیم که یکی از ارکان وابسته به دولت و پارلمان افغانستان با وجود دریافت معاش ماهوار چندین هزار دالری از کمکهای دولت امریکا با حضور در رسانه ها از افغانستان اشغال شده و یا هم چپاول معادن افغانستان توسط امریکا و کشت خاشخاش اظهار نظر میکرد- باید اذغان کرد که عمق فاجعه چقدر عمیق بود.

به یاد بیاوریم که در گرماگرم حضور پر منفعت نظامی ایالات متحده و ناتو در افغانستان، استخبارات پاکستان نخستین گروه جنگاوران طالب را در جریان سالهای 2004 و 2005 در حالی بداخل افغانستان فرستاد، که جهت پنهان ساختن مداخلات اش در سطح منطقوی و بین المللی - ذهنیت کاذب و روایت خنده آوری را ماهرانه زبانزد عام و خاص کرد - که گویا امریکایی ها جهت بقا و موجه نشان دادن موجودیت نظامی شان در افغانستان، خود جنگهای ساختگی را راه اندازی و طالبان را اکملات لوژستیک و نظامی میکنند، چنین روایات و پروپاگند های دروغ و خنده آور در حالیکه در سطح وسیع ذهنیت ها را در امر مداخله خونین پاکستان معشوش میساخت، همزمان عامل دوری مردم افغانستان از امریکا و کشور های غربی شده و زمینه های تقویه جبهه طالبان و قیام علیه امریکا را روز تا روز افزایش میداد؛ یعنی یک تیر و چند نشان. شایعات و پروپاگندهای خلاف منافع ملی مردم افغانستان از سوی استخبارات پاکستان در سراسر افغانستان و منطقه در حالی شایع میشد که همزمان رهبران پاکستان و استخبارات نظامی اینکشور با اجرای بازی های دو گانه یا دبل گیم در قبال سیاست افغانستان ماهرانه د رپی اغفال جهانیان نیز بودند. اما ظرافت و استادی استخبارات پاکستان در امر پخش شایعات دروغ علیه امریکا در افغانستان تا آنجا پیشرفت داشت که حتی بزرگان نظامی و شخصیت های بلند رتبه و رجال دولت افغانستان بارها خلاف منافع ملی روایت ها و شایعات خنده آور مذکور را در محافل خصوصی و حتی رسانه یی اظهار میکردند، چنانچه حامد کرزی حین سفر چاک هیگل وزیر دفاع امریکا به کابل در ماه مارچ 2013 و وقوع حمله انتحاری توسط طالبان در در ورودی وزارت دفاع افغانستان - ضمن سخنرانی بمناسبت روز زن در یک گردهم آیی بزرگ گفت که: «حمله مذکور توسط امریکا طراحی و اجرا شده است.»

امواج چنین تبلیغات زهر آلود بسرعت قاره ها را در نور دیده و در فراسوی اوقیانوس ها چون اروپا، امریکا، کانادا و استرلیا نیز شنیده شده و همزمان توسط تعدادی از رسانه های چاپی، صوتی و تصویری در داخل و بیرون از افغانستان خلاف منافع ملی در راستای منافع همسایه های مغرض بصورت مکرر چاپ، پخش و نشر میشد. اینکه شایعات مذکور از کدام کانالها وارد و زبانزد محافل بالایی سیاسی و نظامی دولت و حکومت افغانستان میشد، نتیجه ضعف استخبارات افغانستان با پرسونل غیر مسلکی و کادرهای طفیلی - جهادی، و حضور استادانه استخبارات نظامی پاکستان در محافل بالایی دولت و حکومت افغانستان بود. با اینها ایجاد و رواج چنین تبلیغات علیه امریکا شاخه های دیگر نیز داشت؛ توجه کنیم که سید محمد خاتمی رئیس جمهور سابق ایران در ماه فبروری 2007 ضمن دیدار با هیأتی از ژورنالستان افغان گفت:

«شاید اشغالگران به نامنی افغانستان دامن بزنند.» [لطفاً لینک ذیل را کلیک کنید.](#)

حالا مشکل است باور کرد که سید محمد خاتمی رئیس جمهور ایران تحت تاثیر شایعات استخبارات نظامی پاکستان در حضور تعدادی از ژورنالستان مطرح افغانستان چنین اظهارات میکرد، اما گفته فوق ثبوت غیر قابل انکار در امر مرادفات آشکار و پنهان سازمانهای استخبارات ایران و پاکستان در امر بیرون راندن قوتهای بین المللی از افغانستان میباشد. زیرا ارباب قدرت در ایران خوب میدانند که با ظهور افغانستان با ثبات و قوی، تهران هرگز نخواهد توانست آب گرانبها و شترین افغانستان را مفت و مجانی بالا بکشد.

با اینها طی این مدت کمتر فاکولته پاس، ماسترو دوکتور علوم سیاسی اعم از چپی - راستی و میانه رو که هر از گاهی در رسانه ها حاضر و از جنگهای ساختگی مذکور سخن میگفتند - از خود پرسیدند، که که چرا امریکا در کشور های جاپان، کوریای جنوبی، کویت، قطر، ترکیه، امارات متحده عرب، عربستان سعودی، پولند، هنگری، بلغاریه، جرمنی، رومانیه، البانیه، و غیره جهت بقا و موجه نشان دادن موجودیت نظامی اش جنگهای ساختگی را راه اندازی نمیکند؟ در حالیکه هزاران سرباز امریکا در کشور های مذکور حضور فعال دارند.

اما این جنگهای به اصطلاح ساختگی یا حملات پیهم و سازمان داده شده ذریعه استخبارات نظامی پاکستان در وجود طالبان باعث شد که فشار بالای قوتهای ناتو روز تا روز افزایش یافته و باعث تلفات قوتهای مذکور بصورت ملموس شود. طوریکه تعدادی از کشور های عضو ناتو تحت فشار افکار عامه مردم شان در جستجوی بیرون رفت از افغانستان شدند، در نتیجه ابتدا عساکر هالندی از افغانستان بیرون شد، بعد کانادایی ها رفتند، فرانسوی ها هم از متحدان هالندی و کانادایی شان تقلید کردند، به تعقیب آن نیوزیلاندی هم راهی کشور شان شدند و بلاخره اینکه در تابستان 2021 همه قوتهای وابسته به ناتو بشمول ایالات متحده امریکا، موسسات خدمات ملکی اروپا و امریکا و

سفارت های کشورهای ثروتمند غربی بشمول حوزه پاسفیک از افغانستان بیرون و هنوز پروسه بیرون شدن ها به اكمال نرسیده بود که طالبان نه در جنگ رویاروی، بلکه در یک جنگ استخباراتی و تبلیغاتی ابتدا ولایات افغانستان و سرانجام کابل و ارگ ریاست جمهوری را تصرف و سرزمین افغانها را بار دیگر به نقطه صفری قبل از 2001 باز گشت دادند.  
ادامه دارد